روش ایجابی و سلبی در تبلیغ (1)

نوری، سید ابوالحسن

قانون تطور در سراسر حیات بشری‏ نفوذ پیدا کرده و جزئیات زندگی وی را شامل‏ شده است.

از دو قرن پیش که علوم مادی برپایه‏ تجربه استوار شد تجدیدنظری در علوم و فنون و تمام شئون حیات بشری بعمل آمد و کم‏وبیش هر دست از مردم سعی نمودند در کار خود روشی صحیح پیش گرفته و با اصول‏ فنی بکار بپردازند فن تبلیغ که از صدر تاریخ‏ مورد احتیاج بشر بویژه پیامبران و علماء و زمامداران بوده نیز مشمول قانون تحول‏ و تطور گشته و یا بتعبیر دیگر تحولی که در شئون مختلف زندگی بوجود آمد نیازمندان‏ تبلیغ را ناچار کرد تا در این فن تجدیدنظری‏ نموده و اصلاحاتی در آن بعمل آوردند که‏ این موضوع نیز بتواند پابپای قافله تمدن‏ بشری پیشروی نماید.موضوع دیگر که در اصلاح فن تبلیغ نقش مهمی بعهده داشت‏ ارتباط مردم جهان بیکدیگر و بوجود آمدن‏ بازارهای بزرگ و رقابت مؤسسات صنعتی و تجزیه دولتهای جهان میباشد.در دنیای‏ گذشته اگر تنها پیامبران یا زمامداران احتیاج‏ بتبلیغ داشتند امروز از طرفداران مذاهب‏ متعدد و سیاستمداران گرفته تا روسای جزء در محیط کوچک خود احتیاج مبرمی بفن‏ تبلیغ دارند.

همین نیاز کامل دنیای امروز سبب شد که اصول صحیح و اساسی برای این فن‏ وضع نموده و آنرا در راههای تازه‏ای انداخته‏ تا بتوانند بهتر از آن بهره‏مند گردند.

ما نمیخواهیم در اینجا از اصول و فنون مختلف تبلیغ و روشهای نوین آن بحث‏ و گفتگو کنیم چه این کار احتیاج بمطالعات‏ دامنه‏دار و وقت مفصل دارد که از عهده ما خارج است.

تنها هدف ما از این بحث نظری بوضع‏ تبلیغ در کشورهای اسلامی میباشد.

هرگاه نظری بصدر اسلام بیفکنیم‏ میبینیم در مدت کمی اسلام در اقطار مختلف‏ شرق رواج کامل یافت این پیشرفت اصولا معلول حقانیت اسلام بود یا چیز دیگر؟

بررسی حیات پیمبر کاملا این نکته را روشن میکند که وی چگونه برای پیشرفت‏ اسلام فکر میکرد و نقشه‏های ماهرانه میکشید او هیچگاه از راههای سلبی پیش نمیرفت در تمام حالات سعی میکرد در خور فکر مردم- اسلام را بآنها بفهماند از هرگونه منفی‏بافی‏ خودداری میکرد در مبارزه با مشرکین هیچگاه‏ به بتهای آنان چیزی نمیگفت تنها سخنی که‏ گاهی نسبت به بتها میگفت«آن بود که اینها منشأ هیچگونه اثری نیستند و شری را هم‏ نمیتوانند از پیروان خود دفع کنند»هیچگاه‏ گفتاری خلاف ادب و نزاکت از وی شنیده نشد و تنها گفتارش درباره آن قوم درخواست‏ هدایتشان از پروردگار بود.

روش تبلیغ قرآن نیز بهمین ترتیب پیوسته جنبه‏های ایجابی داشته و از مشرکین‏ و مخالفین با طرق فنی ایجابی دعوت میکند.

1-هنگام خطاب بنصاری که برای خداوند قائل بفرزند بودند و میپنداشتند عیسی فرزند خداست چنین میگویند:

«

یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق انما المسیح عیسی ابن‏ مریم رسول الله و کلمته القیها الی مریم و روح‏ منه فآمنو بالله و رسله و لا تقولوا ثلثه انتهوا خیرا لکم انما الله اله واحد سبحانه ان یکون‏ له ولد

»(سورة النساء آیه 171)

در این آیه با روش فنی بسیار بدیعی‏ بی‏آنکه نسبت بعقائد پیروان مسیح توهینی‏ وارد آید یا آنها را سرزنش نماید میگوید:

پیروان کتب آسمانی نباید دربارهء عقیدهء خویش بیش از اندازه خوشبین باشند در گفتار خود نسبت بخداوند بجز حق نگوئید مسیح‏ شما کسی جز عیسی فرزند مریم و فرستاده‏ پروردگار نیست بخداوند جهان و فرستادگانش‏ ایمان آورید و دست از عقیدهء تثلیث بردارید زیرا خداوند جهان یگانه است و سزاوار وی‏ نیست که دارای فرزند و خانواده باشد.

یکی از شرائط فن تبلیغ این نیست که‏ نسبت بعقائد هر دسته یا طایفه‏ای که میخواهیم‏ آنها را بکیش خود جلب نمائیم توهین کرده‏ و ایشان را سرزنش نمائیم و عقائد فاسدشان را هر آن برخ آنان بکشیم.

در جمله اول آیه بی‏آنکهن بگوید حق با کیست میگوید باید از غلو و تعصب در عقیده‏ دست کشیده و در پی حقیقت بود.

در جمله دوم بی‏آنکه گفتار ناپسند آنان‏ را نسبت بخداوند بخاطرشان بیاورد با بیان‏ کلی بآنها میفهماند که درباره خداند جز سخن حق نباید گفت.

در جمله سوم مسیح را معرفی نموده‏ و کمال تمجید از آن جناب مینماید که از نظر تأثیر در نفوس مخالف کمال اهمیت را داراست.

پس از این روش فنی تبلیغی آنها را دعوت بایمان بخداوند و اعتراف برسالت‏ فرستادگانش نموده و بار دیگر بآنان تذکر میدهد که نباید گفتار پیشین را بر زبان برانید سپس توحید اسلام را بآنان میفهماند.

2-هنگامیکه اهل کتاب با پیغمبر عناد ورزیده از قبول اسلام سر باز زدند خداوند بپیغمبر میگوید که بآنها مباهله کن این نیز یکنوع روش ایجابی برای پیشرفت مقاصد است.

3-پس از چند آیه دیگر به پیغمبر دستور میدهد که از پیروان کتب آسمانی باین‏ ترتیب دعوت کن:

«

قل یا اهل الکتاب تعالو الی کلمة سوآء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک‏ به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله‏ فان تولوا فقولا اشهدوا بانا مسلمون

» (سوره آل عمران آیه 64)

در این آیه روش ایجابی بنحو اکمل‏ مشهود است از پیغمبر میخواهد اهل کتاب را بموضوعی که آنها و مسلمین هر دو بدان‏ معترفند دعوت کند انتخاب این رویه از ناحیه‏ تأثیر در مخالف کمال اهمیت را داراست زیرا اهل کتاب هنگامیکه دانستند اسلام هم کم‏وبیش‏ بعقائد آنها معترف است دست از تعصبات و لجاجتهای خود کشیده و باسلام نزدیک‏ میشوند.

اینها نمونه‏های چندی از روش تبلیغی قرآن بود از رفتار پیغمبر اسلام و یاران وی‏ نیز شواهدی در دست است که از ذکر آنان‏ خودداری میکنیم.

شاید برخی از گفتار ما چنین استنباط کنند که ما در فن تبلیغ تنها بر روش ایجابی‏ عقیده‏مند بوده و راههای سلبی را درست‏ نمیدانیم ولی لازم بتذکر است که روی سخن‏ در این مقاله بمسلمانان است که طی دو قرن‏ چگونه در مقابل غربیها حالت سلبی بخود گرفته و نتایج زیان‏بار آنرا دیده و میبینند.

اولین انتقاداتی که بمسلمین در این‏ عصر وارد است اینکه کمتر برای پیشرفت‏ اسلام فکر میکند شاید بتوان گفت هیچگاه از طرف زعمای مسلمین نقشه و روش صحیحی‏ برای پیشرفت اسلام وضع نمیشود.در این‏ عصر با وجودیکه وسائل تبلیغ در اختیار ماست‏ کمتر از آن استفاده میکنیم فعالیتهای تبلیغی‏ در شرق بسیار ضعیف و اگر زمانی اظهار حیاتی‏ بشود مواقعیست که از مخالفین هجو می‏شده‏ و مسلمانان درصدد دفاع برآمده‏اند.مدافعات‏ آنان بیشتر از راه‏های سلبی بوده و ازاین‏رو نتیجه معکوس داده است اکنون برای نمونه‏ دو مورد را یادآوری میکنیم نخست از موارد بسیار حساس باز شدن مدارس بود که مسلمین‏ بجای اینکه زمام مدارس را در دست گرفته‏ باشند یا اقدام بافتتاح مدرسه با این خصوصیات‏ بکنند برکنار رفته و بنام اینکه مدرسه حرام‏ است و فرزند مسلمان نباید درس فرنگی بخواند بگوشه و کناره‏ها خزیدند غافل از اینکه مردم‏ حاضر نیستند از مدرسه با آن همه مزایا چشم‏ پوشیده و فرزندان خود را بمکتبخانه‏ها که از هر جهت نامرتب است بفرستند.

مورد حساس دیگری که در سرنوشت‏ مسلمین از اولی کمتر نبود هنگامی بود که‏ ادارات دولتی از لحاظ تعداد و ترتیب داخلی‏ و خارجی بسبک ادارات غربی بیرون آمد در این هنگام نیز بجای اینکه مردمان صالح و با دیانت در شئون اجتماعی دخالت کرده از کارها کناره گرفته و فقط بانتقادات سلبی که‏ احیانا بر علیه دین و حیثیات مسلمین بود پرداختند.

اینها و هزاران شواهد زنده دیگر گواه‏ بر آن روش ناستوده است که پیش گرفتیم.

آری انتخاب آن طریق غلط در گذشته این آینده تاریک که اکنون با آن‏ دست بگریبانیم در پیش داشت.

تبدیل سال هجری بمیلادی عدد 622 را بر سال هجری منظور افزوده و سال جاری‏ موردنظر را بخش به عدد 33 مینمایند و خارج قسمت را از مجموع اولی کسر نموده‏ تا سال مطلوب هجری بمیلادی بدست آید.مثال:

2004-622+1382

41-33?1382

1963-41-2004

س-کدام عددی است که قابل قسمت به-1-الی 10 بوده باشد؟

ج-عددی که از حاصلضرب 360 در عدد 7 بدست آید